

برخی می‌خواهند کشور را تقدیم آمریکا کنند

صفحه ۱۱



۵۰۰ هزار زایمان طبیعی در ۱۵ ماه

صفحه ۴

تیتراهای امروز

واکنش شورای نگهبان به ادعای هاشمی مبنی بر تلاش این شورا برای انحراف در انتخابات

مجرمانه است



صفحه ۲

آیت‌الله آملی لاریجانی عنوان کرد غرب اصلی‌ترین ناقض حقوق بشر

صفحه ۲

به یاد مرحوم حسین جواد

روز خبرنگار متفاوت در وطن امروز



صفحه ۱۴

نکته

عبور از فقر

محمد مهدی تقوی



سخن توأم با تحقیر آقای رفسنجانی درباره روستاییان به شکلی عجیب کاملاً با روحیه ایشان مانوس است و تصویری متکبر از ایشان می‌سازد و چه کنتراست معناداری دارد این تصویر با تصویر صریح، روشن و آرامش‌بخشی که از رهبران فرزانه‌مان حضرت امام خمینی و حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای سراغ داشته و داریم.

آیت‌الله رفسنجانی پس از دریافت ۳ «ه» محکم از مردم و حاکمیت (شورای نگهبان) با سخنان اپوزیسیون‌نمایش سعي دارد نظام را رنجیده‌خاطر کند و یا اهانت‌های مکرر به افشار مختلف می‌خواهد انتقام از مردم را به شیوه خود بگیرد.

آقای رفسنجانی با ورود پیکره کارگزاران قدیمش به هیأت دولت، به لحاظ روحانی و جسمانی احیا شده است. هنوز یک ماه از انتخابات ۲۴ خرداد نمی‌گذشت که آقای هاشمی سرزده به ملاقات رئیس‌جمهور بر گزیده که هنوز ساکن مرکز مطالعات استراتژیک مجمع بود، رفت و گفت: «مدمام ببینم کارها خوب پیش می‌رود یا نه؟!»

رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام حتی به رئیس‌جمهور نیز از بالا می‌نگرد. گویی او نه از جایگاه رئیس مجمع تشخیص بلکه در قامت مبصر منتخب ملت صحبت می‌کرد!

کمی بعد وی در محفلی ضمن اشاره به انتخابات ریاست‌جمهوری و پیروزی حسن روحانی در این انتخابات گفت: «بند بسیار خوشحالم که کسی به سمت ریاست‌جمهوری رسید که انرژی و انگیزه‌اش از من بیشتر است و من هم هر کمکی بتوانم به وی می‌کنم. بنده هر چه دارم از انقلاب و کشور و مردم دارم و تا زنده‌ام برای این کشور و انقلاب و مردم نفس می‌کشم».

او طوری از روحانی آدرس می‌دهد که انگار منتخب مردم گزینه جایگزین او در انتخابات بوده است و این «شیخ تکنوکرات» بوده که با گشاده‌دستی شاه‌کلید پیروزی در انتخابات را به «شیخ دیپلمات» پیشکش کرده و حال در حال شکسته‌نفسی است! (محرمان، روستاییان و سایر به‌زعم آیت‌الله، دون‌پایگان که جای خود دارند!



اقتصاددانان نسبت به افزایش شدید حجم پول در گردش هشدار دادند

انفجار نقدینگی

صفحه ۲۶

از «خون» تا «قلم»

حسین قدیانی

دل‌نوشت

«بسم الله الرحمن الرحيم، انالله و اناالله راجعون. به خدا من از شهدا و خانواده شهدا خجالت می‌کشم

و صیتنامه بنویسم. حال سخنم را برای خدا و در چند جمله، ان‌شاءالله خلاصه می‌کنم؛ خدا! ما را و فرزندان و همسرم را شهادت قرار بده. خدا! من در این دنیا چیزی ندارم. هر چه هست، از آن توست. پدر و مادر عزیزم! ما خیلی به این انقلاب بدهکاریم. عباس بابایی. ۲۲ تیر ۶۱ مطابق با ۲۱ رمضان سال ۱۴۰۳ قمری».

پنجشنبه هفته پیش ۱۵ مرداد ۹۴ بیست و هشتمین سالگرد شهادت سرلشکر خلیان «عباس بابایی» بود. ارتشی عاشق، غروب ۱۵ مرداد ۶۶ تا نکرده‌اند. گروه تأثیرگذار دیگری نیز در آمریکا وجود دارد که آنان نیز در سرنگونی حکومت ایران تردیدی ندارند و اصولاً اهتمام خود را برای این مهم به کار گرفته‌اند اما با شکل و تاکتیکی متفاوت؛ از نظر آنان تحریم‌ها تنها جمهوری اسلامی را سرنگون نکرده است بلکه در عرصه عمل ایران را قدرتمندتر کرده است لذا باید راهکار دیگری را برگزید که بهترین و کم‌هزینه‌ترین آن کنترل و در نهایت تضعیف قدرت فرآیندهای ایران از طریق مذاکره است.

برای درک بهتر صحنه باید عملکرد کنگره آمریکا را بررسی کرد. در نامه‌ای که چندی پیش اعضای کنگره آمریکا به کاخ سفید فرستادند، آمده بود اگر مذاکرات را ترک کنند دیگر به هیچ وجه نمی‌توانند برنامه اتمی ایران در مراکز هسته‌ای و نظامی را متوقف کنند و ثانیاً اگر توافق نشود، رژیم تحریم چندجانبه‌ای که ایران را پای میز مذاکره آورده بود، فرو می‌پاشد. فلذا دولت و کنگره آمریکا نسبت به موفقیت‌های خود در جمع‌بندی هسته‌ای شپه‌های ندارند و این اختلافات جار و جنجالی سیاسی بیش نیست که ریشه عمیقی در اقتصاد این کشور دارد.

از نکات برجسته‌ای که درباره نمایندگان آمریکا می‌توان بیان دقت کرد آن است که هر کدام از این نمایندگان از قدرت بالایی برخوردارند و به نوعی هر کدام رئیس‌جمهور بالقوه‌ای هستند که دارای قدرت اقتصادی بالایی هستند و رئیس‌جمهور شدن نماینده‌ای از جمهوری‌خواهان یا دموکرات‌ها موضوعیتی ندارد و خطوط اصلی یکسان است، زیرا نظام امپریالیستی که پرچم‌دار آن امریکاست، به استیلائی قدرت اقتصادی خود می‌نگرد و اصولاً بر خلاف کشورهای جهان سوم «اقتصاد» یا «سیاست» در ایالات متحده عین شده است و...

چرا می‌گوییم جنگ زرگری؟

معصومه مرادجانی

نگاه

دولت آمریکا به‌عنوان اصلی‌ترین عضو شورای امنیت سازمان ملل که نقش بسزایی در مذاکرات هسته‌ای ایران و ۵+۱ دارد، توانست طی مذاکرات تا سرحد امکان برنامه جامع اقدام مشترک را در راستای منافع ملی خود پیش ببرد اما آنچه قابل تأمل است آن است که هنوز جوهر جمع‌بندی مذاکرات خشک نشده، شاهد رفتارهای متفاوتی از سوی کاخ سفید در صحنه بین‌الملل و در درون آمریکا هستیم. خوی زیاده‌خواهانه آمریکا تاب نیاورد و اندکی پس از تهیه برجام شاهد جار و جنجال سیاسی در میان سیاستمداران آمریکا و برداشت‌های متفاوت از شورای امنیت از ۱۰ سال به ۱۵ سال در خواست زیاده‌خواهانه اخیر آمریکا پس از جمع‌بندی مذاکرات می‌توان به فریبکاری برای سوءاستفاده از متن برجام و قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل و افزایش اختیارات ۵+۱ اشاره کرد که نمونه آن را در طرح افزایش زمان انقضای دخالت شورای امنیت از ۱۰ سال به ۱۵ سال و درخواست زیاده‌خواهانه مبنی بر ملزم بودن آژانس به تحویل تمام اسناد مربوط به توافق احتمالی به کنگره آمریکا می‌توان دید که بار دیگر ماهیت بی‌طرف بودن آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را زیر سوال می‌برد. از سوی دیگر دیری نپایید که شاهد فضا سازی آمریکا درباره نقش منفی ایران در تحولات منطقه و جهان بودیم که بر موج ایران‌هراسی بیش از پیش افزود. باز کردن زخم‌های کهنه اتهامات علیه ایران در آن سوی آب‌ها در آرژانتین درباره پرونده آمیا و حمله ساختگی صهیونیست‌ها به مرکز همیاری یهودیان در بوتنوس آیرس از آن جمله بود تا بار دیگر فشارهای بین‌المللی علیه ایران افزایش یابد و امتیازات بیشتری از ایران گرفته شود.

از سوی دیگر مواضع کاخ سفید، کنگره و دیگر مراکز تأثیرگذار در سیاست خارجی آمریکا قابل بررسی است. امروز در کنگره آمریکا شاهد هستیم بسیاری از اعضای ۲ حزب دموکرات و جمهوری‌خواه با هم هم‌نوا شده و مخالفت خود را با جمع‌بندی مذاکرات اعلام می‌دارند و بر خلاف عادت مرسوم نگاه حزبی را کنار زده و پرونده هسته‌ای ایران را شدیداً مرتبط با منافع ملی خود قلمداد کرده و بدان به عنوان فصل مشترک ۲ حزب جمهوری‌خواه و دموکرات می‌نگرند. از سوی دیگر دولت اوباما طی چند سال گذشته بویژه طی ۲ سال اخیر بسیار تلاش کرده است مذاکرات هسته‌ای را به سرمنزل مقصود برساند و برای این امر به موافقت کنگره با برنامه جامع اقدام مشترک نیاز دارد. آنچه ما امروز شاهد هستیم تناقضاتی محاسبه شده است

چگونه می‌خواهیم جواب خون همین «بلندمدرد آسمانی» را بدهیم؟

دیروز شنبه ۱۷ مرداد هم «روز خبرنگار» بود، سالروز شهادت مظلومانه «محمود صارمی» در افغانستان به دست گروهک طالبان. اصلش چه فرقی می‌کند از ۱۷ مرداد ۷۷ تا ۱۷ مرداد ۹۴ چند سال، چند ماه، چند هفته، چند روز، چند ساعت، چند دقیقه و چند ثانیه گذشته باشد؟ داغ این محاسبات، نسخه‌ای است که فقط برای مداران شهدا پیچیده شده و بس!



پنجشنبه هفته پیش ۱۵ مرداد ۹۴ بیست و هشتمین سالگرد شهادت سرلشکر خلیان «عباس بابایی» بود. ارتشی عاشق، غروب ۱۵ مرداد ۶۶ تا نکرده‌اند. گروه تأثیرگذار دیگری نیز در آمریکا وجود دارد که آنان نیز در سرنگونی حکومت ایران تردیدی ندارند و اصولاً اهتمام خود را برای این مهم به کار گرفته‌اند اما با شکل و تاکتیکی متفاوت؛ از نظر آنان تحریم‌ها تنها جمهوری اسلامی را سرنگون نکرده است بلکه در عرصه عمل ایران را قدرتمندتر کرده است لذا باید راهکار دیگری را برگزید که بهترین و کم‌هزینه‌ترین آن کنترل و در نهایت تضعیف قدرت فرآیندهای ایران از طریق مذاکره است.

برای درک بهتر صحنه باید عملکرد کنگره آمریکا را بررسی کرد. در نامه‌ای که چندی پیش اعضای کنگره آمریکا به کاخ سفید فرستادند، آمده بود اگر مذاکرات را ترک کنند دیگر به هیچ وجه نمی‌توانند برنامه اتمی ایران در مراکز هسته‌ای و نظامی را متوقف کنند و ثانیاً اگر توافق نشود، رژیم تحریم چندجانبه‌ای که ایران را پای میز مذاکره آورده بود، فرو می‌پاشد. فلذا دولت و کنگره آمریکا نسبت به موفقیت‌های خود در جمع‌بندی هسته‌ای شپه‌های ندارند و این اختلافات جار و جنجالی سیاسی بیش نیست که ریشه عمیقی در اقتصاد این کشور دارد.

از نکات برجسته‌ای که درباره نمایندگان آمریکا می‌توان بیان دقت کرد آن است که هر کدام از این نمایندگان از قدرت بالایی برخوردارند و به نوعی هر کدام رئیس‌جمهور بالقوه‌ای هستند که دارای قدرت اقتصادی بالایی هستند و رئیس‌جمهور شدن نماینده‌ای از جمهوری‌خواهان یا دموکرات‌ها موضوعیتی ندارد و خطوط اصلی یکسان است، زیرا نظام امپریالیستی که پرچم‌دار آن امریکاست، به استیلائی قدرت اقتصادی خود می‌نگرد و اصولاً بر خلاف کشورهای جهان سوم «اقتصاد» یا «سیاست» در ایالات متحده عین شده است و...

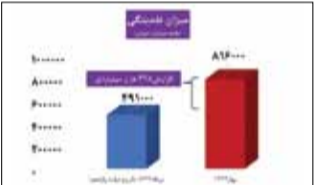
از «خون عباس بابایی» تا «قلم محمود صارمی» خون دل‌ها خورده شد تا همچنان، هم باب «شهادت» باز باشد، هم راه «کتابت».

یادداشت امروز

آشتی رگود و نقدینگی

محسن جندقی

رشد عجیب نقدینگی که احتمالاً مسؤولان آن را طبیعی می‌دانند نتایج غریبی را به دنبال خواهد داشت. با روی کار آمدن دولت یازدهم، حجم پول در گردش کشور یک دوره انفجاری را آغاز کرد تا امروز شاهد یک پدیده کم‌سابقه در اقتصاد کشور باشیم؛ افزایش شدید نقدینگی در کنار رگود. به طور طبیعی افزایش میزان نقدینگی، افزایش تورم را در پی خواهد داشت اما آمارهای رسمی نشان می‌دهد تورم کاهش اما نقدینگی بشدت افزایش یافته است! در علم اقتصاد آمده که میزان نقدینگی باید با حجم ارزش و مقدار معینی از کالاها و خدمات که در دست افراد جامعه است و با گردش جریان کالاها و خدمات همخوانی داشته باشد بر این اساس وقتی از میزان نقدینگی (مجموع پول و شبه‌پول) در جامعه و اقتصاد سخن می‌آید، بدیهی است قیمت کالاها به میزان نقدینگی و سرعت گردش آن بستگی پیدا می‌کند. رشد بی‌رویه نقدینگی، باعث رشد سریع تقاضا برای کالاها و خدمات شده و چون در کوتاه‌مدت عرضه کالا و خدمات محدود است، این امر منجر به ایجاد تورم در اقتصاد می‌شود. اقتصاددانان اعتقاد دارند کنترل حجم نقدینگی هدف نهایی دولت‌ها برای رسیدن به اهداف کلان اقتصادی مثل ایجاد رشد در تولید، کنترل تورم و ایجاد موازنه در پرداخت‌های خارجی و ایجاد اشتغال است. بدین منظور حجم نقدینگی باید به گونه‌ای در نظر گرفته شود که با حمایت از رشد تولیدات داخلی در حد ظرفیت‌های تولید از بروز تورم جلوگیری کند. آمارها نشان می‌دهد دولت یازدهم موفق شده تورم را مهار کند اما نتوانسته صورت مساله



را حل کند. به عبارت بهتر کنترل نقدینگی، کاهش تورم را در پی خواهد داشت اما تورم در این دولت بدون کنترل نقدینگی کاهش یافته است. آمارها نشان می‌دهد حجم پول در گردش کشور در ۲۰ ماه اخیر ۶۰ درصد افزایش پیدا کرده و به رقم عجیب و غریب ۸۱۶ هزار میلیارد تومان رسیده است و به احتمال فراوان تا سال آینده میزان نقدینگی ۱۶ رقمی شود. شگفتی وقتی کامل می‌شود که با وجود حجم بالای نقدینگی در کشور، شاهد رکود شدید در اقتصاد هم هستیم. افزایش نقدینگی می‌تواند یک اتفاق خوشایند را رقم بزند و آن هم رشد اقتصادی است. زمانی افزایش حجم نقدینگی نقش مثبت خود را ایفا می‌کند که این پول حتماً وارد چرخه تولید شود اما در حال حاضر شاهد هستیم که با وجود افزایش شدید نقدینگی چرخ‌های تولید به خوبی نمی‌چرخد و پول عظیمی که در کشور تزریق شده بلااستفاده مانده است. از یک طرف تولید از نبود نقدینگی رنج می‌برد و از طرف دیگر پول‌های سرگردان به این بخش هدایت نشده‌اند و سرمایه‌گذاری مولد صورت نگرفته است.

دولت یازدهم در تجارت خارجی هم کارنامه موفق نداشته و شاهد کاهش صادرات هستیم که این موضوع نمایانگر بی‌توجهی به تولید و بخش خصوصی است. در دولت یازدهم توجه به بخش خصوصی و تولید مغفول مانده و زیان فرآیندهای نگاه‌های تولیدی و افزایش بیکاری از آثار این بی‌توجهی محسوب می‌شود. با وجود اینکه دولتی‌ها اصرار دارند در کشور رشد اقتصادی رخ داده و اقتصاد از رکود خارج شده اما شاهد نشان می‌دهد رکود تشدید شده یا حداقل رونق رخ نداده است. وقتی مسؤولان فعلی شدیدترین انتقادات را درباره رشد شدید نقدینگی و رکود شدید در دولت‌های گذشته مطرح می‌کردند این امید در بین جامعه ایجاد شد که دولتی‌ها با دانستن نقاط ضعف اقتصادی دولت پیشین می‌توانند با کنترل نقدینگی و ایجاد رونق اقتصادی و توجه به تولید، زمینه جهاد اقتصادی را فراهم کنند اما روند ۲ سال اخیر نشان داد با وجود کاهش نسبی نرخ تورم، رکود تشدید شده و تولیدکنندگان همچنان منتظر حمایت‌های دولت هستند.